

نظاربایف
وقاسی قازاقستان
NAZARBAYEV
AND THE MAKING OF KAZAKHSTAN

جانان ایتکن
JONATHAN AITKEN



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: ایتکن، جاناتان، ۱۹۴۲ - م.

Aitken, Jonathan

عنوان و پدید آورنده: نظربایف و تأسیس قزاقستان / جاناتان ایتکن؛ مترجم: محسن حقیقت پسند؛ تهیه

و تدوین: محمد رضا شیرازی.

ملاحظات: تهران: کویر مهر جان، ۱۳۹۲.

موضوع: ظاهره: ۲۴۹ ص.

شابک: ۸-۱۲-۶۹۱۵-۶۰۰-۹۷۸

وضیعت فهرست: سی. فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Nazarbayev and the making of Kazakhstan, C2000

موضوع: نظربایف، سلطان، ۱۹۴۰ - م.

موضوع: روسای جمهور قزاقستان -- سرگذشتنامه

موضوع: قزاقستان -- تاریخ

موضوع: قزاقستان -- سیاست و دولت -- ۱۹۹۱ م.

موضوع: قزاقستان -- اوضاع اقتصادی -- ۱۹۹۰ م.

شناسه افزوده: حقیقت پسند، محسن، ۱۳۹۲

شناسه افزوده: شیرازی، محمد رضا

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲: ۹۰۸ الف / ۹۰۸ DK

رده بندی دیویی: ۴۵۰۸۶۰۹۲/۹۵۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۶۸۸۸۴

عنوان کتاب: نظربایف و تأسیس قزاقستان

تهیه و تدوین: محمد رضا شیرازی

طراح جلد و صفحه آرا: فاطمه حقیقت

مؤلف: جاناتان ایتکن

مترجم: محسن حقیقت پسند

ویراستار: مریم آقایی بهمن بیگلو

ناشر: انتشارات کویر مهر جان

سال نشر: ۱۳۹۲

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۸-۱۲-۶۹۱۵-۶۰۰-۹۷۸ قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

فهرست

۷	پیشگفتار: فهم سفر
۱۳	فصل اول: درمان و کودکی
۲۷	فصل دوم: دانش آموز و آهنگر
۳۹	فصل سوم: کمپانی چین، همسر جوان، یاغی جوان
۵۵	فصل چهارم: صعود نردبان حزب
۷۳	فصل پنجم: نخستین سفرهای کام ۱۹۸۶-۱۹۸۴
۹۵	فصل ششم: دسامبر و پیکانهایش
۱۱۵	فصل هفتم: کودتا و فروپاشی
۱۳۵	فصل هشتم: مصائب دستیابی به قدرت
۱۵۳	فصل نهم: هسته‌ای شدن یا نشدن
۱۷۷	فصل دهم: پول جدید؛ قانون اساسی جدید؛ اقتصاد جدید
۲۰۳	فصل یازدهم: روسیه، دریای خزر و چین
۲۲۵	فصل دوازدهم: ورود به قرن ۲۱
۲۴۷	بخش اول - رییس جمهور وطنی
۲۶۵	فصل سیزدهم: ورود به قرن ۲۱
۲۹۱	بخش دوم - رییس جمهور بین‌المللی
	فصل چهاردهم: یک رویای بزرگ
	سخن آخر

پیشگفتار فهم سفر

قزاقستان دارای مساحتی وسیع، تاریخی پیچیده و فرهنگی متنوع است و به عنوان کشوری مدرن با حکمی جذابتر از آنچه غیرقزاقها میدانند، دارد. بیشتر این حکایت حول محور اوستانیسی هوری این کشور، نورالسلطان نظربایف می‌گردد، ولی زندگی او فقط در فضای سیاسی به او در آن به دنیا آمد، رشد کرد و به یک رهبر تبدیل شد قابل فهم است.

از نظر جغرافیایی، قزاقستان از یک بازو غربی بزرگتر است. مرز شمالی این کشور با روسیه طولانیتر از مرز کانادا به بالا امتداد دارد. پنج برابر تگزاس و نهمین کشور وسیع دنیاست. مرزهای این کشور از سواحل دریای خزر، جایی که آسیا به اروپا میرسد، آغاز میشود و در مرزهای غربی چین به پایان می‌رسد. از رشته کوههای پوشیده از برفی که کمی کوتاهتر از اورست هستند تا جلگه های سبز که وسیعتر از قسمتهای غرب مرکزی^۱ آمریکا سرزمینی فوقالعاده وسیع واقع شده است مملو از فضا و روح زیبایی که برای مردم، سیاست و گذر زمان است.

تا سال ۱۹۹۱، قزاقستان کشور نبود. هیچ مرز رسمی یا هیچ یک از کشورهای همسایه نداشت و برخی از این کشورها ادعای مالکیت ارضی و منابع طبیعی آن را داشتند. تاریخ و سبقهی این درگیریها بسیار ناامیدکننده است. برای آنها اقوام کوچنشین قزاقستان، توسط تجاوزگران بیگانه مورد تاراج و چپاول قرار می‌گرفتند. بیرحمترین استعمارگران، رهبران قرن بیستم شوروی سابق بودند. تجاوز حکومت استالین، بیش از دو میلیون قزاق از گرسنگی، بیماریهای واگیردار و اعدام کشته شدند. یک میلیون نفر از سرزمینهای مادریشان بیرون رانده، تبعید و یا به زیر یوغ کمونیسم برده شدند. این اتفاقها همزمان شد با ورود تازه‌واردهایی که با آنها نیز بدرفتاری شده بود. در جریان جنگ جهانی دوم، استالین دستور تبعید نیم میلیون نفر به قزاقستان را داد که اکثر آنها اهل شمال قفقاز و مناطق آلمانی ولگا بودند،



ولی شامل روشنفکران مسکو و مخالفین سیاسی نیز میشدند.

در سالهای حکومت نیکیتا خروشچف، ۱/۵ میلیون نفر دیگر از تبعیدیهای شوروی به اجبار وارد اراضی مشترک کشاورزی ادر قزاقستان شدند. در نتیجه، مردم قزاقستان در سرزمین خودشان اقلیت شدند. در سالهای بعد مناطق وسیعی از چراگاههای آنها در شمال شرق با آزمایشهای مخفی هستهای آلوده شد، سران نظامی کرمالین دستور انفجار ۴۵۰ بمب هسته‌ای حرارتی در مناطق اطراف سمیپالاتینسک^۲ را بدون در نظر گرفتن عواقب جانی برای مردم محلی صادر کردند. آزمایش‌های دیگر شوروی مثل خشک کردن دریای آرال و توطئه‌ی سرزمین‌های ویرجین^۳ باعث خسارت‌های گسترده‌ی محیطی عظیمی شد. با این وجود، علی‌رغم بدرفتاری‌های آنها، قزاق‌ها یک غریبی اجدادی برای ادامه‌ی بقا داشتند. آنها می‌دانستند چگونه این شرایط سخت را با کثرت و سبکی به پایان برسانند.

ادامه‌ی تاسیس زندگی در عین اطاعت از قوانین اتخاذ شده در مسکو. بنابراین فلاسفه‌ی روشنفکران، مطیع کمونیست‌ها بودند در حالی که از آداب و رسوم خود مانند وطن‌پرستی پرورش حمایت می‌کردند. هیچ‌کس این نقش دوطرفه را ماهرانه‌تر از نورالسلطان نظربایف بازی نکرد.

سفر او در خیمه‌ی یک جوان به چمنزارهای کوهستانی جلگه‌های وسیع آغاز شد. او در یک خانواده‌ی مفلس کوچ‌نشین زندگی می‌کرد که توسط آدم‌کش‌های استالین به شدت وحشت‌زده شده بودند ولی به این وجود به اندازه کافی زیرک بودند که یک تعلیم و تربیت روسی مناسب را برای پرورش تاهمن کنند. اولین شغل نظربایف کارگری در کوره‌ی ذوب‌آهن در یک کارخانه‌ی فولاد بود که از او یک متخصص ذوب‌آهن ساخت. اولین شغل او به عنوان یک کارگر در جیخ در جناح کمونیست در دوران نیکیتا خروشچف، میخائیل سسلف، لئونید برژنف و یوری اندروپوف گذشت. در سن ۴۴ سالگی نظربایف توسط کنستنتین چرننکوبه سمت نخست‌وزیر جمهوری شوروی قزاقستان منصوب شد. رهبر بعدی شوروی، میخائیل گورباچف، نظربایف را شخصی یافت که همراه و همفکر او در راه تغییر در پرسترویکا و گلاسنوست^۴ است و در نهایت به او نخست‌وزیری شوروی را پیشنهاد کرد که نظربایف به او پاسخ مثبت داد. در آن زمان، جماهیر شوروی در هرج و مرج به سر می‌برد و نظربایف نگاه به آینده داشت.

نظربایف به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته در سلسله مراتب حکومتی شوروی، بعد از گورباچف و یلتسین، می‌دانست که پایان سلطه‌ی کمونیست در راه

1 Collective farm

2 Semipalatinsk

3 Virgin lands

4 Perestroika & glasnost



است. اگرچه او نقش بسیار مهمی در حمایت از بوریس یلتینس برای مقاومت در مقابل کودتای توطئه‌گران در آگوست سال ۱۹۹۱ داشت، ولی آن روزها قاصد خاموشی سیاسی برای گورباچف و جماهیر شوروی بود که پنج‌ماه بعد، از هم پاشید. نظریات طلی این سال‌های تحول، بدون حتی یک قطره خونریزی در کشورش، در این شرایط نابسامان به عنوان رئیس‌جمهوری حکومت متشکل از مردم قزاقستان ظاهر شد.

بلافاصله بعد از سال‌های استقلال، نظریات می‌بایست بحران‌های بزرگی را سر و سامان بخشد که شامل تورم شدید، سقوط ارزش پول، قحطی و مهاجرت بیش از دو میلیون نفر نیروی ماهر کار و مهندس به خارج از کشور بود. در جبهه استراتژیک، بزرگ‌ترین پالش او کشف این نکته بود که او وارث چهارمین انبار سلاح هسته‌ای جهان است. کش‌های جنگ‌طلب به دنبال آن بودند که نظریات پذیرفت، او خلع سلاح را انتخاب کرد. روابط دیپلماتی حساسی با واشنگتن داشت، با بیجینگ وارد روابط جدید شد و روابط پُرفراز و نشیب و آشفت‌اش با مسکو را ادامه داد. او آشفت‌ترین شرایط را با یک مکرر مذاکرات مستقیم با دوست قدیمی‌اش رئیس‌جمهور یلتینس مدیریت کرد، به‌صورتی که رابطه با حقوق نفتی کشور در دریای خزر.

چیزی که به نظریات برای ادامه‌ی راه در تاریک‌ترین روزهای دراماتیک قزاقستان کمک کرد ترکیبی از استقامت یک تنگ و دیدگاه یک اصلاح‌طلب بود. او هرگز در اعتقاد نیاکانش در جلگه‌های قزاقستان به این نکته که مردمش دوباره می‌توانند شرایط سخت را با کمترین آسیب به پایا رسانند شک نکرد. اما، به عنوان یک سیاست‌مدار مدرن، برای متقاعد کردن مردمش برای پذیرفتن نیروی بازار آزاد با مشکل روبه‌رو شد. ملاقاتش با مارگارت تاچر در سال ۱۹۹۱ زمانی که هنوز رهبر جناح کمونیست در قزاقستان بود، برای متقاعد کردن نظریات، به منظور پذیرفتن آزادی اقتصادی و خصوصی‌سازی بسیار مؤثر بود. او حدود ۱۰ سال در مطالعه‌ی این مفاهیم کرد و خود را مشتاق شنیدن صحبت‌های نسل جدید از ماسورین و وزرا نشان داد تا بتواند آن اصول را پیاده‌سازی کند. برای مدتی، هیچ سیاست‌هایش باعث آشفتگیو تصمیم‌های اشتباه زیادی گرفته شد. ولی نظریات با حضور کارش برای اصلاحات ایستاد و قزاقستان تا پایان قرن به یک بازار آزاد اقتصادی تبدیل شد. سالانه‌ی ۱۰ درصد تبدیل شد. این رشد اقتصادی با ورشکستگی ناگهانی بازار بورس آسیا در سال ۱۹۹۸ ضربه‌ی شدیدی خورد و با بحران اقتصادی جهانی در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به نابودی انجامید. ولی تا آن زمان قزاقستان بیشتر از ۵۰ میلیارد دلار سرمایه که اساساً از مازاد درآمد نفت بود در صندوق ملی اندوخته داشت. نظریات در اواخر سال ۲۰۰۸ از این اندوخته و سایر منابع برای تزریق بیش از ۲۵ میلیارد دلار به بانک‌ها، شرکت‌های ساخت‌وساز، صندوق بازنشستگی و پروژه‌های زیرساختی استفاده کرد. با این گریز از منابع مالی عمومی و با قدرت زیربنایی بخش‌های



اقتصادی نفت و گاز، امروز قزاقستان در مقایسه با همه‌ی کشورهای منطقه در خصوص رویارویی با رکود جهانی از جایگاه بهتری برخوردار است.

۱۵ سال پیش قزاقستان چشم‌انداز بسیار بدبینانه‌ای داشت. در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ اتفاق نظر بین‌المللی بر این بود که نه قزاقستان توانایی ادامه‌ی بقا به عنوان یک دولت ملی را دارد و نه نظریات می‌تواند رهبر این دولت باشد. اما امروز هم نظریات و هم کشور، مطمئن به نظر می‌رسند. مهارت‌های رهبری نظریات در واقع بین‌المللی موفق شناخته می‌شود و آینده‌ی بلندمدت اقتصادی این کشور بسیار درخشان پیش‌بینی می‌شود. با این وجود رسانه‌های بین‌المللی طرز حکومت قزاقستان را به نقد می‌کشند.

فره‌ی قزاقستان به استقلال نیست؛ مطبوعات آزاد نیستند؛ انتخابات اخیر دارای استاندارد دینی نیست؛ فرایند کامل و بی‌طرفانه نبود؛ فساد در بسیاری از سطوح اجتماعی قزاقستان وجود دارد؛ بازار حلقه‌ی داخلی دوستان و اعضای خانواده نظریات برخی اوقات به خاطر دیپلمات‌ها به باره پس‌انداز درآمدهای نفتی در حساب‌های بانک سوئیس، دریافت کسب و کار برای قراردادهای دولتی، نقض حقوق بشر و حتی قتل رهبران گروه‌های سیاسی مخالف، که‌دار شده است. نظریات توانست خود را از این تهمت‌ها دور نگه دارد. اگرچه، این بار به خاطر ارتباطش با رفیق‌های قدیمی و خویشاوندان سابقش که رفتارشان باعث ایجاد تحقیرآمیز مردم قزاقستان از کشور شده بود به طور غیرمستقیم تخریب شد.

با مطالعه‌ی فصول بعد خواهید دید که نظریات شکایت‌های منتقدانش را نادیده نگرفته است. او به‌ویژه به فشارهای وارده از سازمان امنیت و همکاری اروپا، با قبول اینکه قزاقستان از سال ۲۰۱۰ بر کرسی مدیریت این سازمان خواهد نشست پاسخگو بوده است. در پیشرفت به سمت آزادی سیاسی و مطبوعات، حقوق بشر و انتخابات بی‌طرفانه، بیشتر از روسیه، چین و سایر کشورهای منطقه اقدام کرده است. پس متصفانه است که بگوییم نظریات به آهستگی در حال عبور از حکومت استبدادی به سمت دموکراسی است اگر چه هنوز راه زیادی به استقلال او که در فصل‌های بعد خواهید خواند این است که به دلیل عدم داشتن هیچ‌گونه تجربه در سیاست‌های دموکراتیک و بازار اقتصادی در تاریخ قزاقستان، این کشور تازه به استقلال رسیده نباید به سرعت به سمت توسعه‌ی برنامه‌های اصلاحات انتخاباتی برود. نظریات می‌گوید: «اول اقتصاد، بعد بازسازی سیاسی» او می‌افزاید: «دموکراسی در قزاقستان مبدأ سفر نیست بلکه مقصد سفر است». برخی مفسران بین‌المللی به این راهکار انتقاد می‌کنند ولی عقاید داخلی به نظر می‌رسد که به صورت وسیع



پشتیبان پیشرفت سریع رئیس‌جمهور به سمت دموکراسی هستند.

قزاقستان راه درازی برای رفتن دارد؛ ولی بعد از دو دهه ریاست‌جمهوری نظربایف، مسافت‌های بسیار مهمی طی شده است. این کشور موفق‌ترین کشور از لحاظ اقتصادی است که بعد از سقوط جماهیر شوروی ظهور کرده است. این کشور در گاز، نفت و سایر منابع طبیعی بسیار ثروتمند است و تشکیلات این کشور یک سیستم با ثبات حکومتی را ایجاد کرده است. در مجموع روابط خوبی با مسکو، بیجینگ و واشینگتن دارد اگرچه در لایه‌های زیرین، این روابط همراه با اضطراب است. جمعیت ۱۵,۵ میلیونی این کشور شامل طبقه متوسط در حال رشد، قشر مرفه که در حال افزایش هستند و نسل در حال ترقی جوانان تحصیل کرده می‌شود. نماد پیشرفت آنها پالست جدید و متهورکنندهی آستانه است که آسمان‌خراش‌های آنیک، پایتخت بسیار جناب و بلندآوازه در قرن ۲۱ را به تصویر می‌کشد. این ویژگی‌های قزاقستان امروز آن قدر شناخته شده است که میلیون‌ها نفر از علاقه‌مندان به سینما باور کردند که برات^۱ ممکن است هیئت داشته باشد.

تعداد کمی از موفقیت‌های قزاقستان بدون نورالسلطان نظربایف به دست آمده است. داستان او هرگز قبل از دهه ۱۹۹۰ بازگو نشده است، درحالی که او یکی از درخشان‌ترین و تاثیرگذارترین اوست. در سال ۱۹۹۰ عصر حاضر است. فهم سفر او فقط با آغاز از قلب جلگه‌ها، سرزمینی که او از آنجا آمده است میسر است.

۱ Borat: نام فیلمی کم‌دیست در مورد یک ژورنالیست قزاق که به ایالت‌های مختلف آمریکا سفر می‌کند.